

پیاچدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

کد کنترل

۱۱۹

E

نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:



119E



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

صبح جمعه
۱۳۹۶/۱۲/۴
دفترچه شماره (۱)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمدد) - سال ۱۳۹۷

رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی (کد ۲۱۳۰)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - فقه - اصول	۹۰	۱	۹۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق چاپ، تکثیر و منتشر می‌باشد به هر روش (الکترونیکی و...) بس از برگزاری آزمون، برای تمام اندکس‌های خلیف و حقوقی تنها با معجزه این سازمان عجاز می‌باشد و با مختلفین برای غرورات رفتار می‌شود.

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمتر کز)

119E

صفحه ۲

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (١٠ - ١)

١- «و لا تَقْفُ ما ليس لك به علم، إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفَوَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانُوا عَنْهُ مَسْؤُلُّا»:

(١) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!

(٢) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شناوی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!

(٣) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل در مورد آن پاسخگو می‌باشند!

(٤) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شناوی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!

٢- «إن أَقْدَعْتَ أَحَدًا مِنْكُمُ الْكَبِيرَ عَنْ مَكْسِبِهِ وَ لِقاءِ إِخْوَانِهِ، فَزُورُوهُ وَ عَظِّمُوهُ وَ اسْتَظْهِرُوهُ بِفَضْلِ تَجْرِيَتِهِ!»:

(١) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!

(٢) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!

(٣) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!

(٤) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربه عظیمش یاریش کنید!

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

۳- «أعوامٌ وصل، كان يُنسى طولها ذكر النّوى، فكأنّها أيام!»:

- (۱) سالهای وصلی که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش تبودند!
- (۲) یاد لحظه‌های فرق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!
- (۳) بخاطر آوردن جدایی طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتفاق افتاده است!

- (۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدت طولانیش را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۴- «وَنُكِرْمَ جَارِنَا مَادَمْ فِينَا وَثَبَّعَهُ الْكَرَامَةُ حِيثُ مَالَا!»:

- (۱) همسایه خود را مدام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!
- (۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!
- (۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!
- (۴) آن کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۵- عین الخطأ:

- (۱) إلَى الله أَشْكُو مِنْ مَعْشِرِ يَعِيشُونَ جَهَالًا وَ يَمْوُتونَ ضُلَالًا؛ مِنْ إِذَا زَيَّسَتْ مِنْ كَنْنَدْ وَ گَمْرَاهَ مِنْ مِيرَنَدْ، بِهِ اللَّهِ شَكَائِتُ مِنْ كَنْمَ،
- (۲) لِيَسْ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَبُورُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا ثَلَى حَقَّ تَلَوْتَهُ؛ نَزَدَ آنَانَ كَالَّاَيِّ بِيَرْوَنَقَتَرَ اِزْ قَرَآنَ نِيَسَتْ هَرَگَاهَ آَنَطُورَ که شایسته آن است تلاوت گردد.
- (۳) وَ لَا سَلْعَةَ أَغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرَفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ وَ نَهَ كَالَّاَيِّ گَرَانِبَهَاتَرَ اِزْ قَرَآنَ اِسْتَ هَرَگَاهَ اِزْ مَوَاضِعَ خُودَ تَحْرِيفَ گردد.
- (۴) وَ لَا عَنْدَهُمْ أَنْكَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ؛ وَ مُنْكَرَتَرَ اِزْ اَمْرَ بِهِ مَعْرُوفَ نَزَدَ آنَانَ نِيَسَتْ وَ جَزْ مُنْكَرَ اِزْ آنَانَ نَمِيَ شَنَاسَمِ!

۶- «وَ مَا كَنْتَ مِنْ أَدْرِكَ الْمَلَكَ بِالْمَنْتَى وَ لَكِنْ بِأَيَّامِ أَشْبَنَ النَّوَاصِيَا!». عِنْ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ الْبَيْتِ:

- که نبود اندر جهان بی رنج گنج!
تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن!
این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام!
بازدارد پیاده را ز سبیل!
- (۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج!
(۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی
(۳) میوی سپید را فلکم به رایگان نداد
(۴) خواب نوشین بـامداد رحیل

۷- «إن كان لا يُقْنِيك ما يكفيك» فكلّ ما في الأرض لا يُقْنِيك!». عين ما لا يناسب مفهوم البيت:

- فریدون به ملک عجم، نیم سیر!
یاقناعت پر کند یا خاک گورا!
آنکه آن داد به شاهان، به گذایان این دادا
نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ!
- ۱) گدارا کند یک درم سیم سیر
 - ۲) گفت چشم تنگ دنیادوست را
 - ۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست
 - ۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد

۸- «گرسنگی و قحطی نمی‌توانند بر جنگجوی شجاع چیره گردند و اورا از مبارزه بازدارند، كما اینکه گرمای سوزان نمی‌تواند بر گیاهان صحرایی تأثیر کنند!». عین الصحيح:

- ۱) لا يمكن للجوع والمجاعة التغلب على المكافحة الباسلة و تمنعه من النضال، كما أن شدة الحر لا تؤثر على الأشجار الصحراوية!
- ۲) إن الجوع والجدب لا يمكن لها الغلبة على كلَّ محارب شجاع و تمنعه عن المحاربة، كما أن حماره القبيط لا يمكن له التأثير على النباتات البرية!
- ۳) إن المجاعة والجوع لا تستطيعان أن تغلب المناضل الباسل و تشغله عن المحاربة، كما أن شدة الحرارة لا يمكن أن تتأثر بالأشجار الصحراوية!
- ۴) لا يستطيع الجوع والمجاعة أن يتغلبا على المناضل الشجاع و يشغلاه عن المناضلة، كما أن حماره القبيط لا تستطيع أن تؤثر على النباتات البرية!

۹- «زنهر از اینکه در بین مردم چون حیله گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید!»: عین الخطأ:

- ۱) إياكم و المعيشة بين الناس كعيش الماكرين، و أن تفرقوا بين المسلمين!
- ۲) إياكم إياكم أن تعيشوا بين الناس عيشة الماكرين و تشقو عصا المسلمين!
- ۳) حذار من العيش بين الأئمَا كما يعيش المحتالين و أن لا تشقو عصا المسلمين!
- ۴) أحذرُكم من أن تعيشوا بين الأئمَا عيش المحتالين و أن تتبّعوا الفرقة بين المسلمين!

۱۰- «برخی از صنایع ادبی در ضربالمثلهای عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آنها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضربالمثلها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضربالمثلها عادتاً در زبان محاوره رایج است!». عین الصحيح:

- ۱) كانت قد تسربت الأمثال العربية في المجتمع العربي دون بعضه، والأمثال الأدبية هذه كثيرة ما كانت خالية عن الفن و البيان، وكانت تسود في لغة التحاور كالعادة!
- ۲) بعض الصنائع الأدبية كانت قد تسربت في الأمثال العربية، ولكنها لا تعم كلها، بل كثير من هذه الأمثال كانت مغسولة من كل فن و بيان، لأن الأمثال تجري في لغة التخاطب عادة!
- ۳) من الصنائع الأدبية ما كانت تتفذ في الأمثال العربية، ولكن لا تشمل كل ذلك، بل كثيرة ما كانت الأمثال تضرب دون أي فن و بيان، لأن الأمثال هذه جارية في لغة الحوار كالعادة!
- ۴) كانت الصنائع الأدبية تدخل في أمثال اللغة العربية، ولكنها لا توجد في كلها، بل الأمثال العربية كانت تخلو من الفن و البيان كثيراً، و عامة الناس تستفيد منها في لغتها الدارجة عادة!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (١٣-١١)

١١- عین الصحيح:

- ١) إنما من علامات الفقه الحلم و الصمت!
- ٢) التواضع أن تعطى الناس ما تُحب أن تعطاه!
- ٣) من أنصف الناس من نفسه رضي به حكماً بغيره و لاشك فيه!
- ٤) العامل عن غير بصيرة كالسائل على غير الطريق، لا يزيد سرعة السير إلا البعد!

١٢- عین الخطأ:

- ١) مما لا شك فيه أن حملة العلم في الملة الإسلامية كان أكثرهم العجم،
- ٢) والسبب في ذلك أن الملة في أولها لم يكن فيها علم و لا صناعة لافتقارها أحوال السذاجة و البداءة،
- ٣) وإنما أحكام الشريعة التي هي أوامر الله و نواهيه كان الرجال ينقلونها في صدورهم،
- ٤) وقد عرفوا مأخذها من الكتاب و السنة بما ثلثوه من صاحب الشرع و أصحابه!

١٣- عین الخطأ:

- ١) إن الذين لم يبهبهم الحب أجنحة لا يستطيعون أن يطيروا إلى مأواه الغيم،
- ٢) ليروا ذلك العالم لسحرى الذي طافت فيه روحى في تلك الساعة المحزنة،
- ٣) إن الذين لم يتخذهم الحب أثياعا لا يسمعون الحب متكلما،
- ٤) فهم و إن فهموا معانى هذه الصفحات الضئيلة لا يمكنهم أن يروا ما وراء ذلك!

■ ■ عین الصحيح عن الإعراب و التحليل الصرفی (١٤ - ١٨)

١٤- (ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غافلون):

- ١) أن: مخففة «أن» المشبهة بالفعل، اسمها ضمير الشأن، و الجملة اسمية و خبر للمبتدأ «ذلك»
- ٢) أهل: اسم جمع، و مرفوع على الابداء، و الجملة اسمية و حالية، و صاحب الحال «مهلك» و الرابط ضمير «ها»
- ٣) يكن: فعل مضارع و مجزوم بحرف لم، و علامة جزمه حذف حرف العلة؛ من الأفعال الناقصة و اسمه «رب»
- ٤) القرى: جمع تكسير (مفرده: قرية، مؤنث)، مضاد إليه و مجرور محلأ في اللفظ، و في المعنى نائب فاعل لشبيه الفعل «مهلك»

۱۵- « و كأين من قريه هي أشد فوة من قريتك التي أخرجت أهلناهم فلا ناصر لهم ». عين الصحيح عن الجملتين « هي أشد » و « أهلناهم » :

۱) نعت للمنعوت « قريه » / خبر للمبتدأ « كأين »

۲) خبر للمبتدأ « كأين » / خبر بعد خبر للمبتدأ « كأين »

۳) حال لذى الحال « قريه » / صلة ثانية للموصول « التي »

۴) حال لصاحب الحال « قريه » / مستأنفة لا محل لها من الإعراب

۱۶- « آتوني زير الحديد حتى إذا ساوي بين الصدفين قال انفعوا حتى إذا جعله نازا قال آتوني أفرغ عليه قطرًا ». عين الصحيح :

۱) ساوي: فعل ماضٍ من باب معاملة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره « هو » و الجملة فعلية و في محل نصب على الظرفية!

۲) آتوا (الأولى): فعل أمر من المجرد الثلاثي، معتعل و ناقص (اعلاه بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب

۳) قطرًا: متناظع عليه، و هو إما مفعول ثان لفعل « آتوا » أو مفعول لفعل « أفرغ » و العامل الآخر مستغنٍ عن المعمول

۴) أفرغ: متناظع عليه، مجرد ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط محفوظ مع أداته

۱۷- « ما ملوم المتأني » و « ما مشكورون البخلاء ». عين الصحيح عن الكلمتين « المتأني » و « مشكورون » :

۱) صفة مشبهة على وزن اسم الفاعل، مبتدأ مؤخر و مرفوع بضمّة ظاهرة / اسم « ما » شبيه بليس و مرفوع بالواو

۲) اسم فاعل و مصدره « تأني » و نائب فاعل لشبيه الفعل « ملوم » / اسم مفعول و خبر مقدم و مرفوع بالواو

۳) فاعل لشبيه الفعل « ملوم » و مرفوع بضمّة مقدرة / صفة مشبهة و هو « فعول » بمعنى مفعول، و مبتدأ و مرفوع

۴) مشتق و اسم فاعل و مصدره « تأنّ » و مرفوع بضمّة مقدرة / مشتق و اسم مفعول و شبيه الفعل و فاعله « البخلاء »

۱۸- « عليكم بالتواصل والتباذل، وإياكم والتدابير والتقاطع! ». عين الصحيح عن اعراب « عليكم » و « إياكم » :

۱) شبيه جملة و خبر مقدم وجواباً / محذر منه و مبتدأ و مرفوع محلأ

۲) جار و مجرور و محذر منه / اسم فعل مرتجل و فاعله ضمير « كم » البارز

۳) اسم فعل منقول من الجار و المجرور / مفعول به لفعل محفوظ من باب التحذير

۴) مفعول به لفعل محفوظ من باب الإغراء / محول من الضمير المنصل لتعذر تفرّده

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (١٩ - ٣٠)

١٩- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:

- ١) «قالوا معدنة إلى ربكم» (مصدر ميمي)
- ٢) سبّح الله تسبيحة (اسم النوع أو الهيئة)
- ٣) «يظلون بالله غير الحق ظن الجاهليه» (مصدر صناعي)
- ٤) أطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة! (مصدر رياعي مزدوج)

٢٠- عین ما فيه لام الجمود:

- ١) جُد في حياتك لتسود الآخرين!
- ٢) و ما كان الله ليطلع عباده على الغيب!
- ٣) و من يحفر بئراً ليصرع واحداً سُيصرع يوماً بالذى هو حافر!
- ٤) نبئ يرى ما لا ترون و ذكره أغار لعمري في البلاد و أنجدا!

٢١- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:

- ١) مه، ما هذا الفضول!
- ٢) هيهات الذلة مثا!
- ٣) بخ لك على هذا التقىم!
- ٤) شئان ما بين المجتهد و الكسلان!

٢٢- عین الصحيح عن المصقر للأسماء التالية: بنت، اسم، كتاب، سوداء:

- ١) بنیت، اسمیم، کتیب، سویدا
- ٢) بنیت، اسمیم، کتیب، سویدا
- ٣) بنیة، سمی، کتیب، سویداء
- ٤) بنیة، سمی، کتیب، سویداء

٢٣- عین ما ليس فيه حرف جز زائد:

- ١) «أليس الله بأحكم الحاكمين»
- ٢) «و ما الله بعاقل عما تعلمون»
- ٣) «ما نرى في خلق الرحمن من تفاوت»
- ٤) «كتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور»

٢٤- عین ما لم يتفق الخبر وجواباً:

- ١) أين أخوك، ما رأيته منذ مدة!
- ٢) أطالبة في الصفة أم طالب!
- ٣) ما ناجح إلا الصادق في أعماله!
- ٤) إنما شجاع من يحارب شيطان نفسه!

٢٥- عین الخطأ (في العدد):

- ١) إنه أتى لنا بعشرة دليل و نيف ليثبت مذعاه!
- ٢) له ست و نيف من المقالات العلمية البارعة!
- ٣) يدرس في كلية ألف و نيف من الطلبة و الطالبات!
- ٤) كان يطالبنا من الأجرة تسعين و نيفاً من التوانفات!

- ۲۶- عین حرف «لا» لیست لنفي الجنس:

- ۱) لا عمل خير ضائع و لا عمل سوء راجح!
۲) لا مهملاً واجباته ناجح!
۳) لا في الصفت معلم و لا طالب!
۴) لا ضدین مجتمعان!

- ۲۷- عین الخطأ نحوياً:

- ۱) كفى بالمرء خيانةً أن يكون أميناً للخونة!
۲) كلُّ إِنَاءٍ يَنْضَحُ بِمَا فِيهِ!
۳) من أراد البقاء ليوطن نفسه على المصائب!
۴) الوضياع من وضع نفسه!

- ۲۸- عین العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق مرتدين:

- ۱) جلسَتْ على الكرسي جلوسًا صحيحاً!
۲) كتَبَتْ كتاباً لم يكتب أحد مثله!
۳) علمَته الدرس مرتدين اثنين!
۴) مشيتَ مشيًّا لا يمشي أحد!

- ۲۹- عین الصحيح في المفعول لأجله:

- ۱) على المؤمن أن لا يكذَّ في حياته ادخارًا للمال فقط!
۲) إنها طالعت هذه المقالة و جمعت آراء كاتبها إفاده منه!
۳) قمنا بإقامة الحصون حولنا إحاطة العدو اللاؤد بنا!
۴) يبجل الناس الإنسان الصادق حباً لصدقه في العمل!

- ۳۰- عین الخطأ في إعراب المستثنى:

- ۱) ما نجح من طلبات صفتَنا إلاّ عشرين منها!
۲) لم يبق في الصفت إلاّ خمسة و عشرين من الطلبة!
۳) لن يفوز في السباق إلاّ هؤلاء المتأثرون في التدريب!
۴) لم يفزوا في سباق العام الماضي إلاّ المتأثرون والمتاثرات!

- ۳۱- مطابق دیدگاه شهیدین، کدام مطلب در مورد عقد بیع، درست است؟

- ۱) يشترط ايقاعه بلفظ الماضي العربي و تقديم الایجاب على القبول
۲) لا يشترط ايقاعه بلفظ الماضي العربي و لا تقديم الایجاب على القبول
۳) لا يشترط ايقاعه بلفظ الماضي العربي و يشترط تقديم الایجاب على القبول
۴) يشترط ايقاعه بلفظ الماضي العربي و لا يشترط تقديم الایجاب على القبول

- ۳۲- باقبض مبيع

- ۱) ضمان به مشتری منتقل می شود مطلقاً.
۲) تنهای در صورت خیار بایع، ضمان به مشتری منتقل می شود.
۳) تنهای در صورت خیار مشتری، ضمان به مشتری منتقل می شود.
۴) در صورت عدم خیار مشتری، ضمان به مشتری منتقل می شود.

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

- ۳۳ - عبارت «لان السبب الناقل للملك هو العقد المشروط بشرطه و كلها كانت حاصلة الأ رضا المالك فإذا حصل الشرط عمل السبب التام» تعليل، بر چه حکمی است؟
- (۱) بطلان بيع فضولي مطلقا
 - (۲) عدم نفوذ بيع فضولي و حكم به ناقليت اجازه
 - (۳) عدم نفوذ بيع فضولي و حكم به کاشفيت اجازه
 - (۴) عدم نفوذ بيع فضولي بهطور مطلق، اعم از کاشفيت یا ناقليت اجازه
- ۳۴ - لو باع غير المملوك مع ملکه
- (۱) بطل البيع لتبغض الصفة
 - (۲) صح البيع إن اجاز المالك و يتخير المشتري
 - (۳) وقف صحة العقد في الجميع على اجازة المالك
 - (۴) صح البيع في ملکه و وقف في ما لا يملک على اجازة المالك
- ۳۵ - در بيع مرابحة، در صورت ظهور کذب باع، کدام مورد درست است؟
- (۱) مشتری بهدلیل غرور خیار دارد.
 - (۲) بیع باطل است بهدلیل غرور مشتری.
 - (۳) مشتری حق اخذ مقدار زاید را بهدلیل غرور دارد.
 - (۴) بیع باطل است و مشتری بهدلیل عدم وقوع مقصودش خیار دارد.
- ۳۶ - با توجه به عبارت «الارش نسبة التفاوت بين القيمتين من الثمن»، درصورتی که قیمت مبیع صحیح هزار تومان و قیمت معیب آن هشتصد تومان و ثمن معامله ششصد تومان باشد، در این صورت ارش چند تومان خواهد بود؟
- (۱) دویست
 - (۲) صد و بیست
 - (۳) چهارصد
 - (۴) صد و پنجاه
- ۳۷ - خیار تأخیر در کدام مورد ثابت است؟
- (۱) در بیعی که قبض ثمن صورت نگرفته و شرط تأخیر نشده باشد.
 - (۲) در بیعی که قبض مبیع صورت نگرفته و شرط تأخیر نشده باشد.
 - (۳) در بیعی که قبض مبیع صورت نگرفته و شرط تأخیر شده باشد.
 - (۴) در بیعی که قبض و اقبض مبیع و ثمن صورت نگرفته و شرط تأخیر نشده باشد.
- ۳۸ - کدام مطلب در مورد «مالکیت اجیر بر اجرت»، درست است؟
- (۱) مالکیت بر اجرت پس از اتمام عمل حاصل و تسلیم آن نیز واجب است.
 - (۲) مالکیت بر اجرت به مجرد انشاء عقد حاصل و تسلیم آن بعد از عمل واجب است.
 - (۳) مالکیت بر اجرت پس از انشاء عقد حاصل و تسلیم آن پس از شروع به عمل واجب است.
 - (۴) مالکیت بر اجرت پس از شروع به عمل حاصل و تسلیم آن پس از اتمام عمل واجب است.
- ۳۹ - کدام عبارت در مورد «عمل اجیر خاص»، درست است؟
- (۱) لو عمل لغير المستأجر الأول بعقد اجارة يتخير المستأجر الأول بين فسخ عقدہ و ابقاءه و عدم استحقاق شيء
 - (۲) لو عمل لغير المستأجر الأول بجعلة او تبرعاً تخیر بين فسخ عقدہ و ابقاءه و عدم استحقاق شيء
 - (۳) لو عمل لنفسه تخیر المستأجر الأول بين فسخ عقدہ و ابقاءه و الرجوع عليه باجرة مثله
 - (۴) لو عمل لغير المستأجر الأول بعقد اجارة بطل العقد الأول لفوات المنافع التي وقع عليها

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

- ۴۰- بنابر نظر شهیدین حکم شرط ضمان در عقد اجاره چیست؟
- (۱) جایز است بهدلیل اطلاعات ادله شروط مطلقاً.
 - (۲) فاسد است و عقد را هم فاسد می‌کند مطلقاً.
 - (۳) شرط فاسد است به خاطر مخالفت با شرع، ولی عقد صحیح است.
 - (۴) شرط فاسد است به خاطر مخالفت با مقتضای عقد، ولی عقد صحیح است.
- ۴۱- لوظیر فی الأجرة عیب فللاحیر
- (۱) الفسخ او الارش مع عدم التعيين
 - (۲) ان يطالب بالبدل مع التعيين او الفسخ
- ۴۲- لو اختلافاً في قدر الشيء المستأجر حلف وفى ردالعين حلف
- (۱) النافي - المالك
 - (۲) المستأجر - المالك
 - (۳) المالك - المستأجر
- ۴۳- در صورت غصب عین مستأجرة
- (۱) اجره مطلقاً صحيح است.
 - (۳) اگر غصب قبل از قبض باشد، باطل است.
- ۴۴- لو تشبثاً و ادعى احدهما الجميع و الآخر النصف مشاعاً و لا يبين اقتسماهما
- (۱) بالسوية بعد التحالف
 - (۳) بالنسبة الى مدعاهما بلا يمين
- ۴۵- شرایط شهادت، در چه زمانی در شاهد معتبر است؟
- (۲) وقت تحمل شهادت
 - (۴) وقت حکم حاکم شرع
- ۴۶- کدام عبارت در مورد «رهن» درست است؟
- (۱) یجوز للمرتهن ابیاعه من نفسه مطلقاً
 - (۲) یجوز للمرتهن الاستقلال بالاستیفاء مطلقاً
 - (۳) یجوز للمرتهن الاستقلال بالاستیفاء إذا لم يكن وكيلاً
 - (۴) لا یجوز للمرتهن ابیاعه من نفسه إذا كان وكيلاً في البيع
- ۴۷- منظور از اصل و ظاهر بهترتب در عبارت « و لو ادعى المحال عليه فطلب الرجوع لانكاره الدين و ادعاء المحييل، تعارض الاصل و الظاهر » چیست؟
- (۲) عدم اداء - ثبوت اداء
 - (۴) وجود دین - عدم دین
- ۴۸- کدام عبارت در مورد «عقد مضاربة»، درست است؟
- (۱) اشتراط اللزوم ببطل العقد و اشتراط الاجل يشمر
 - (۲) يصح العقد و ببطل الشرط باشتراط اللزوم و الاجل
 - (۳) ببطل العقد باشتراط اللزوم و ببطل الشرط باشتراط الاجل
 - (۴) لا يصح اشتراط اللزوم و الاجل فيها و يؤدي الى بطلان العقد مطلقاً

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

- ۴۹- کدام عبارت در مورد «اسباب بطلان وکالت»، درست است؟

(۱) تبطل بالموت و الجنون و الاغماء و النوم إن تطاول

(۲) تبطل بالموت و الجنون و لا تبطل بالاغماء و النوم و إن تطاول

(۳) تبطل بالموت و الجنون و الاغماء و لا تبطل بالنوم و إن تطاول

(۴) تبطل بالموت و لا تبطل بالجنون و الاغماء و النوم و إن تطاول

- ۵۰- کدام عبارت در مورد «شفعه» درست است؟

(۱) ثبت الشفعة للغائب

(۲) لا ثبت الشفعة في المقصوم مطلقاً

(۳) لا ثبت الشفعة للصبي والمجنون و ثبت للسفه

(۴) ثبت الشفعة لغير الشريك الواحد على أشهر القولين

- ۵۱- حکم شرط خیار در صداق، چیست؟

(۱) شرط خیار در صداق فاسد است ولی عقد نکاح را فاسد نمی‌کند.

(۲) شرط خیار در صداق فاسد است و عقد نکاح را نیز فاسد می‌کند.

(۳) شرط خیار در صداق جائز است و در صورت فسخ، مهر المثل ثابت می‌شود.

(۴) چون در عقد نکاح، شرط خیار جائز نیست در صداق هم جائز نیست.

- ۵۲- لوادعی زوجیه امرأة فقصدقته

(۱) لا يحكم بالعقد لانتفاء البيبة

(۲) لا يحكم بالعقد لانه اقرار في حق الغير

- ۵۳- مبارات در کدامیک از موارد، درست است؟

(۱) عدم کراهة کل من الزوجین مع عدم الزيادة من المهر

(۲) کراهة احد الزوجین مع عدم الزيادة من المهر

(۳) کراهة احد الزوجین مع عدم الزيادة من المهر

- ۵۴- کدامیک از موارد، «اقرار صحيح» می‌باشد؟

(۱) لو أقر السفيه بالدين

(۲) لو علق الاقرار بالمشيئه

- ۵۵- لو غصب شاة فاطعمها المالك جاهلاً و لو اطعمها غير صاحبها جاهلاً

(۱) ضمنها الاكل - ضمنها الغاصب

(۲) ضمنها المالك - ضمنها الاكل و الغاصب

- ۵۶- در صورتی که وارث میت، پدر و مادر همراه با یک دختر باشد و حاجبی نیز وجود نداشته باشد، اموال او چگونه تقسیم می‌شود؟

(۱) دختر $\frac{3}{5}$ و پدر و مادر هر کدام $\frac{1}{5}$

(۲) به دختر و $\frac{2}{5}$ به پدر و $\frac{1}{5}$ به مادر

(۳) به دختر و $\frac{2}{6}$ به پدر و $\frac{1}{6}$ به مادر

۵۷- الجلد و الجز و التغريب حد الزانی علی رأی الشهیدین.

(۱) الذکر الحر المحسن إذا زنى بضيّة

(۲) الذکر الحر المحسن إذا زنى بمحنون

(۳) الذکر الحر غير المحسن و ان لم يملک

(۴) الذکر الحر غير المحسن لو املك و لم يدخل

۵۸- کدام عبارت در مورد «حد قذف» درست است؟

(۱) لو تعدد المقدّوف و اتحد القاذف فحد واحد

(۲) لو تعدد القاذف و المقدّوف، تعدد الحد

(۳) لو قذف الواحد جماعة بلفظ واحد و افترقو في المطالبة فحد واحد

(۴) لو قذف الواحد جماعة بلفظ واحد و اجتمعوا في المطالبة فلكل واحد حد

۵۹- لو ادعى السارق الہبة حلف

(۱) المالک و قطع

(۲) السارق و لاقطع

(۳) المالک و لاقطع

۶۰- قتل خطأ شبيه به عمد، در کدام مورد محقق می‌شود؟

(۱) یرمى الجانی حیواناً فيصيّب انساناً

(۲) یرمى الجانی انساناً معيناً فيصيّب غيره

(۳) یضرب الجانی انساناً بما یقتل غالباً فيموت المضروب

(۴) یضرب الجانی للتأديب ضرباً لا یقتل عادةً فيموت المضروب

۶۱- کدام مطلب در مورد «دلیل حجیت سیره عقا و سیره متشرّعه»، درست است؟

(۱) حجیت هر دو سیره صرفاً در گرو اتصال به عصر معصوم است.

(۲) حجیت هر دو سیره علاوه بر اتصال به عصر معصوم در گرو امضا و عدم ردع ایشان است.

(۳) حجیت سیره عقا در گرو اتصال به عصر معصوم و حجیت سیره متشرّعه در گرو موافقت با دلیل لفظی است.

(۴) حجیت سیره عقا در گرو امضا و عدم ردع شارع و حجیت سیره متشرّعه در گرو اتصال به عصر معصوم است.

۶۲- کدام عبارت در مورد «قياس اولویت»، درست است؟

(۱) دلیلی عقلی است و حجیت آن با قاعده ملازمه ثابت می‌شود.

(۲) همان مفهوم موافق است و در صغای اصالۃ الظهور درج می‌شود.

(۳) قیاسی است که حجیت آن از باب تنتیح مناطق و بهوسیله عقل ثابت می‌شود.

(۴) از اقسام قیاس مستنبط العلة است ولی حجیت آن به دلیل خاص ثابت است.

۶۳- مطابق دیدگاه مرحوم مظفر، نفی احتمال قرینه به مثابه رکن حجیت ظهور، بر چه مبنایی است؟

(۱) به بنای عقلایست مطلقاً.

(۲) بنا به حکم عقل است مطلقاً.

(۳) در مورد مشافهین به حکم عقل و در مورد غیرمشافهین به بنای عقلایست.

(۴) در مورد مشافهین به بنای عقا و در مورد غیرمشافهین به حکم عقل است.

پیاجدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

۶۴- طبق دیدگاه مرحوم مظفر، کدام عبارت در مورد «نهی از عبادت» درست است؟

- (۱) یقتصی الفساد لو کان النهی نفسیا و لا یقتصی الفساد لو کان غیریا
- (۲) یقتصی الفساد لو کان النهی تحريمیا و لا یقتصی الفساد لو کان تزییهیا
- (۳) یقتصی الفساد لو تعلق النهی باصل العبادة او جزئها او شرطها او وصفها
- (۴) یقتصی الفساد لو تعلق النهی باصل العبادة او جزئها او شرطها و لا یقتصی لو تعلق بوصفها

۶۵- کدام مورد، حمل مطلق بر مقید نمی‌شود؟

- (۱) اذا كان المطلقة مثبتاً و المقيد نافياً
- (۲) اذا كان المطلقة نافياً و المقيد مثبتاً
- (۳) اذا كانا متفقين نافياً و مثبتاً و كان المطلقة بدلتاً
- (۴) اذا كانا متفقين نافياً و مثبتاً و كان المطلقة شمولتاً

۶۶- ما هو مقتضى الاصل العملى فى تداخل الاسباب و ما دليل ذلك؟

- (۱) عدم التداخل - الاستغلال البقيني يستدعي الفراغ البقيني
- (۲) التداخل - اصل البرأة في الشك في تكليف زائد
- (۳) عدم التداخل - استصحاب عدم التكليف
- (۴) التداخل - استصحاب بقاء التكليف

۶۷- طبق دیدگاه مظفر در مورد «امارة يا اصل بودن استصحاب»، کدام مطلب درست است؟

- (۱) طبق همه مبانی و در همه وضعیتها، استصحاب، اصل عملی است.
- (۲) بنابر استناد به اخبار، اصل عملی تعبدی و بنابر استناد به عقل، اماره است.
- (۳) بنابر استناد به اخبار، اصل عملی تعبدی و بنابر استناد به بناء عقلا، اماره است.
- (۴) بنابر استناد به دلیل قطعی، اماره و بنابر استناد به دلیل ظنی، اصل عملی است.

۶۸- دلالت قول «أعيد الصّلة» بر سببیت شک در نمازهای دو رکعتی بر بطلان نماز در پاسخ به سؤال از این شک، از کدامیک از اقسام دلالات است؟

- | | |
|------------|----------------------------|
| (۱) اقتضاء | (۲) اشاره |
| (۳) تنبیه | (۴) لزوم بین بالمعنى الاخص |

۶۹- يعتبر في البحث عن المفهوم الوصف

- (۱) أن يكون الوصف مساوياً للموصوف مطلقاً
- (۲) أن يكون الوصف اعم من الموصوف او مساوياً
- (۳) أن يكون الوصف اخص من الموصوف مطلقاً او من وجه

۷۰- کدام عبارت، در مورد «موضوع له صیغه امر»، با دیدگاه مرحوم مظفر مطابقت دارد؟

- (۱) مشترک لفظاً بين الوجوب والندب ولا ترجيح
- (۲) الوجوب جزء من مدلول الامر بدلالة لفظية وضعية
- (۳) ظاهرة في الوجوب من جهت انصراف الطلب الى اكمال الافراد
- (۴) ظاهرة في الوجوب من جهت حكم العقل بلزم طاعة المولى والابتعاث ببعشه

- ۷۱- طبق دیدگاه مرحوم شیخ انصاری، دلالت کدامیک از روایات بر اصل برائت تمام است؟
- (۱) الناس فی سعّة ما لم یعلموا
 - (۲) کل شیء مطلق حتی برد فیه نهی
 - (۳) ایما امری رکب امرأ بجهالة فلا شیء علیه
 - (۴) کل شیء فیه حلال و حرام فهو لک حلال حتی تعرف الحرام منه بعينه
- ۷۲- کدام عبارت در مورد «تعريف خبر واحد اصولی»، درست است؟
- (۱) ما لا يبلغ حد الاستفاضة
 - (۲) ما كان الخبر و احداً
 - (۳) ما لا يبلغ حد التواتر
 - (۴) ما احتف بالقرائن الموجبة للاطمئنان اليه
- ۷۳- در صورت تبدل قطع و کشف خطای در آن آیا عمل بر طبق قطع، مجزی است؟
- (۱) مجزی نیست مطلقاً.
 - (۲) مجزی نیست مگر اینکه محقق مصلحت واقعیه باشد.
 - (۳) نسبت به داخل وقت مجزی نیست و اداء در وقت لازم است.
 - (۴) نسبت به خارج وقت مجزی نیست و در خارج وقت قضا لازم است.
- ۷۴- «اذا تيقن بعد الله الشخص يوم الجمعة ثم تبدل يقينه السابق الى الشك» هذا مورد قاعدة
- (۱) اليقين
 - (۲) المقتضى و المانع
 - (۳) الاستصحاب القهقري
 - (۴) الاستصحاب التقديري
- ۷۵- ما هو الدليل على حجية قول اللغوي على قول الشيخ المظفر؟
- (۱) السيرة المبشرة في الرجوع باهل الخبرة في اللغة
 - (۲) بناء العقول على الرجوع الى اهل الخبرة في اللغة
 - (۳) حكم العقل بوجوب رجوع الجاهل الى العالم
 - (۴) الاجماع قائم على الاخذ بقول اللغوي
- ۷۶- معنای جهالة در آیه «آن تُصَبِّبُوا قوماً بجهالة» مطابق دیدگاه مرحوم مظفر چه فعلی است و چه تقابلی در آن است؟
- (۱) بغير علم - التضاد
 - (۲) عن جهل - النقيض
 - (۳) بغير حكمة و تعقل - السلب و الإيجاب
 - (۴) بغير حكمة و تعقل - العدم و الملكة
- ۷۷- فعل المعصوم عليه السلام بحكم كونه معصوماً يدل على و تركه يدل على
- (۱) الاباحه - عدم الوجوب
 - (۲) الوجوب - الاستحباب
 - (۳) الاستحباب - الاباحه
 - (۴) الاباحه - الكراهة
- ۷۸- ما هو مذهب المشهور في التعذر عن المرجحات المنصوصة؟
- (۱) وجوب الاقتصار على المرجحات المنصوصة
 - (۲) التفصيل بين صفات الرأوى وبين غيرها
 - (۳) الترجيح بكل مزية توجب اقربية الاماره الى الواقع نوعاً
 - (۴) وجوب الاقتصار على استفاده عموم الترجيح من الاخبار

- ۷۹- إنَّ القياسَ فِي نَفْسِهِ لَا يُفِيدُ الْعِلْمَ بِالْحُكْمِ لَأَنَّهُ
- (۱) لَا يَحْمِلُ الْفَرْعَ عَلَى الْأَصْلِ فِي الْحُكْمِ
 - (۲) لَا يُسْرِي حُكْمَ الْمَقِيسِ عَلَيْهِ إِلَى الْمَقِيسِ
 - (۳) لَا يَثْبِتُ الْحُكْمَ الثَّابِتَ فِي الْأَصْلِ فِي مَحَلِّ الْفَرْعِ
 - (۴) لَا يَتَكَفَّلُ ثَبَوتُ الْمَلَازِمِ بَيْنَ حُكْمَ الْمَقِيسِ عَلَيْهِ وَ حُكْمَ الْمَقِيسِ
- ۸۰- نظر مرحوم شیخ انصاری در مورد استدلال به آیه «ما کنَا مَعَذَّبِينَ حَتَّى نَبَثَ رَسُولًا»، کدام است؟
- (۱) بَعْثَ رَسُولٍ بِهِ حُكْمٌ عَقْلٌ بِبَيَانٍ تَكْلِيفٌ أَسْتَدَلَّ بِهِ آیَةً «مَا كَنَا مَعَذَّبِينَ حَتَّى نَبَثَ رَسُولًا»، کَدَامُ أَسْتَ؟
 - (۲) بَعْثَ رَسُولٍ كَنَابِيَّهُ از بَيَانٍ تَكْلِيفٌ دَارَدَ وَلِي عَذَابٍ، اخْتَصَاصٌ بِهِ عَذَابٌ أَخْرَوِيٌّ دَارَدَ.
 - (۳) بَعْثَ رَسُولٍ كَنَابِيَّهُ از بَيَانٍ تَكْلِيفٌ وَ شَامِلٌ عَقَابٍ أَخْرَوِيٌّ نِيزَ مِي باشَدَ.
 - (۴) بَعْثَ رَسُولٍ بِرْ پَایِه قَاعِدَه لَطْفٌ دَلِيلٌ بِرْ نَفِی عَقَابٍ أَخْرَوِيٌّ أَسْتَ.
- ۸۱- بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری کدام مورد، بیانگر نسبت قاعده وجوب دفع ضرر محتمل (بنابر اینکه مراد از ضرر محتمل عقاب محتمل باشد) با قاعده قبح عقاب بلا بیان است؟
- (۱) وَرُودُ قَاعِدَه قَبْحٌ عَقَابٌ بِرْ قَاعِدَه وجوب دفع ضرر محتمل
 - (۲) وَرُودُ قَاعِدَه وجوب دفع ضرر محتمل بِرْ قَاعِدَه قَبْحٌ عَقَابٌ بلا بیان
 - (۳) حُكْمُوتُ قَاعِدَه وجوب دفع ضرر محتمل بِرْ قَاعِدَه قَبْحٌ عَقَابٌ بلا بیان
 - (۴) حُكْمُوتُ قَاعِدَه قَبْحٌ عَقَابٌ بلا بیان بِرْ قَاعِدَه وجوب دفع ضرر محتمل
- ۸۲- نظر مرحوم شیخ انصاری و مرحوم مظفر، به ترتیب در مورد «استصحاب» چیست؟
- (۱) تَفْصِيلٌ بَيْنَ احْكَامِ عَدْمِيٍّ وَ وجُودِيٍّ / حِجَيْتٌ مَطلقاً
 - (۲) تَفْصِيلٌ بَيْنَ احْكَامِ وَضْعِيٍّ وَ تَكْلِيفِيٍّ / حِجَيْتٌ مَطلقاً
 - (۳) تَفْصِيلٌ بَيْنَ شَكٍّ درِّ مَقْضِيٍّ وَ شَكٍّ درِّ رَافِعٍ / حِجَيْتٌ مَطلقاً
 - (۴) حِجَيْتٌ مَطلقاً / تَفْصِيلٌ بَيْنَ حُكْمِ شَرْعِيٍّ كُلِّيٍّ وَ غَيْرِ كُلِّيٍّ
- ۸۳- القاعدة الاولیه في تعادل المتعارضین و القاعدة الثانویه عند صاحب كتاب اصول الفقه.
- (۲) التخيير - التوقف
 - (۴) التوقف - التساقط
 - (۱) التساقط - التوقف
 - (۳) التساقط - التخيير
- ۸۴- المقوم في ظهور الكلام عند اهل المحاجة
- (۲) الكشف الذاتي عن مراد المتكلم
 - (۴) افاده الظن بالمراد بالنسبة الى المقصودين بالاقهام
 - (۱) الظن الفعلى بمراد المتكلم
 - (۳) عدم الظن بخلاف مراد المتكلم
- ۸۵- موضوع البحث عن الشهرة في مبحث الحجية في علم الاصول و هذه الشهرة
- (۲) الشهرة في الفتوى - حجة
 - (۴) الشهرة الفتوائية - ليست بحجة
 - (۱) الشهرة العلمية - حجة
 - (۳) الشهرة الروائية - ليست بحجة
- ۸۶- بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری کدام عبارت در مورد تقديم اشارات بر اصول عملیه شرعیه درست است؟
- (۱) يرتفع موضوع الاصل بعد ورود الادلة الظنية
 - (۲) دليل الاماره نزل شرعا منزلة الرافع فهو حاكم على الاصل
 - (۳) دليل الاماره رافعا لموضوع الاصل و تخصيص له
 - (۴) دليل الاماره يعارض الاصل و يختص الاصل بالدليل

-۸۷- عبارت «اذا كان الخاص مجملأ سرى اجماله الى العام لأنّ ما عدا الخاص غير معلوم»، دليل بر عدم جواز تمثيل به عام در کدام یک از موارد است؟

۱) في الشبهة المفهومية إذا كان المخصوص متصلًا

۲) في الشبهة المصداقية سواء كان المخصوص متصلًا أو منفصلًا

۳) في الشبهة المفهومية في الدوران بين المتبادرتين إذا كان المخصوص منفصلًا

۴) في الشبهة المفهومية في الدوران بين الأقل والأكثر إذا كان المخصوص منفصلًا

-۸۸- ما هو المحكم في الاصطلاح؟

۱) هو النص و الظاهر

۲) هو النص و قطعى السنند

۳) هو قطعى الدلالة فقط

-۸۹- کدام عبارت در بحث اجزاء در امارات و اصول، پس از کشف خطا به حجه معتبره، مطابق نظر مرحوم مظفر است؟

۱) اجزاء در موضوعات و احكام بنابر اجماع امامیه ثابت است.

۲) در موضوعات اجزاء حاصل است و در احكام اجزاء حاصل نیست.

۳) در موضوعات خارجیه بنابر مشهور و در احكام بنابر قاعده اولیه اجزاء حاصل نیست.

۴) اجزاء در موضوعات بنابر قول مشهور و اجزاء در احكام به اجماع امامیه ثابت است.

-۹۰- اختلاف آراء در تبعیت قضا از اداء، مبنی بر کدام مبحث است؟

۱) دليل لا يترك الصلة بحال

۲) دلالة الامر على المرة او التكرار

۳) استفاده الاطلاق من دليل الواجب

۴) المستفاد من التوقيت هو وحدة المطلوب او التعدد